

عنوان مقاله

تقوای الهی از دیدگاه قرآن

استاد راهنما:

حجۃ الاسلام و المسلمین آقای عزیزی دامت برکاته

محقق:

غلام مهدی حکیمی

دانش پژوه سال اول سطح دو

بخش تفسیر مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)



تقوای الهی از دیدگاه قرآن ۳

چکیده ۳

کلیدواژه‌ها ۳

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED مقدمه

تعریف تقوی ۷

اهمیت تقوی ۹

اقسام تقوی ۱۰

ملازمه تقوا با ایمان ۱۱

تقوای عام ۱۱

تقوای خاص ۱۱

تقوای خاصّ الخاصّ ۱۲

اوصاف متقین ۱۲

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED آثار تقوی

آثار دنیوی تقوی ۱۶

۱- برکت در زندگی ۱۶

۲- بصیرت ۱۷

۳- آسانی در کارها ۱۸

۴- عفو از سیئات ۱۹

۵- تضمین قبولی اعمال ۱۹

۶- آرامش روحی ۱۹

۷- رهایی از بن‌بست‌ها ۱۹

آثار اخروی ۲۰

- ۱- رضوان خدا ۲۰
- ۲- دوستی پایدار ۲۰
- ۳- ایمنی از ترس و اندوه ۲۱
- ۴- مغفرت، بهشت و نعمت‌های آن ۲۱

منابع ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

چکیده

خدا را شاکریم که توفیقی نصیب ما کرد تا بر خوان گسترده قرآن بنشینیم و لذیذترین و نیروبخش‌ترین غذای جان را که همانا تقوای الهی است، از آن برگزینیم. متأسفانه در طول تاریخ در میان اقوام و ملل، برای سنجش ارزش انسان و تعیین عیار انسانیت وی، محک‌هایی ناراست، همچون: ثروت و اولاد و... به کار رفته و می‌رود؛ درحالی‌که محک راستین برای این کار، به تصریح قرآن و سفارش همه انبیای الهی تقواست. ما در این تحقیق سعی کرده‌ایم این معیار راستین را آن‌چنان‌که در قرآن آمده، به بحث گذاریم.

چون تقوی ملازم ایمان است، بنابراین هر مرحله‌ای از ایمان، تقوای خاص خودش را دارد. شخص متقی برخوردار از تمام ویژگی‌های خوب است و از بدی‌ها بیزار و منزّه است. او به برکت تقوی، حیات طیبه‌ای دارد که آثار ارزشمند آن را نه فقط خود در زندگی احساس می‌کند، بلکه اطرافیان نیز از آن محظوظ و بهره‌مند می‌شوند. شخص پرهیزگار به برکت تقوی سعادت دنیا و آخرت را نصیب خود می‌کند.

کلیدواژه‌ها

تقوی، متقین، اوصاف متقین، اقسام تقوی، اوصاف تقوی، آثار تقوی.

در تاریخ اقوام و ادیان جهان معیارهای گوناگونی برای سنجش ارزش و فضیلت انسان وجود دارد؛ مثل کناره‌گیری از دنیا در دین نصاری. در این میان معیاری نادرست که در تمام طول تاریخ بشر همواره مورد توجه بسیاری از افراد بوده و هست، «ثروت و اولاد» است؛ به همین سبب ما در قرآن می‌بینیم که وقتی پیامبری برگزیده می‌شد، بی‌درنگ افرادی در برابر وی صف‌آرایی می‌کردند با این استدلال که این شخص چگونه بر ما پیامبری خواهد کرد، درحالی‌که نه به اندازه ما مال دارد و نه اولاد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۱- قوم یهود برای پس گرفتن تابوت عهد نزد حضرت اشموئیل پیامبر آمدند و از ایشان خواستند که فرمانده و حکمرانی را برای آنها برگزیند. همین که حضرت طالوت برگزیده شد، لب به اعتراض گشودند و گفتند: او چگونه می‌تواند حکمران ما باشد، درحالی‌که ثروت چندانی ندارد؟! لذا ما از او سزاوارتریم:

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^(۱)

۲- وقتی حضرت موسی و هارون با لباس‌هایی کم‌بها و ساده بر فرعون وارد شده و وی را به یکتاپرستی دعوت کردند، او به درباریان خویش گفت: اگر موسی آن طوری که خود می‌پندارد پیامبر خداست، پس چرا دست‌بند طلا به او داده نشده است؟! «فَلَوْ لَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ»^(۲) او نداشتن زر و زیور را دلیل بر پستی مقام موسی می‌دانست و می‌گفت: «أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ»^۳.

۳- مشرکان عصر پیامبر(ص) از اینکه قرآن به مرد تهیدستی نازل شده تعجب می‌کردند، و می‌گفتند: «لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ»؛^۴ و گفتند: «چرا این قرآن بر شخصیت بزرگ و مرد ثروتمندی از سرزمین مکه یا طائف نازل نشده است؟!».

۱-البقره: ۲۴۷.

۲-الزخرف: ۵۳.

۳-الزخرف: ۵۲.

۴-الزخرف، ۳۱، با ترجمه‌ی مکارم.

۴- مشرکان ثروتمند قوم نوح به او ایراد کردند: «چرا این افراد اراذل و پست اطراف تو را گرفته‌اند؟! و منظورشان از پستی، نداشتن مال و ثروت بود!

«قَالُوا أُوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ»؛ گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم، درحالی که اراذل به تو ایمان آورده‌اند؟!»

به همین علت نخستین و مهم‌ترین گام اصلاحی انبیا، در هم شکستن این معیارهای ارزشی دروغین بود. آنها با تعلیماتشان این معیارهای غلط را در هم ریختند و ارزش‌های اصیل الهی را جانشین آن ساختند و با یک «انقلاب فرهنگی» محور شخصیت را از اموال و اولاد و ثروت و جاه و شهرت و قبیله و فامیل، به تقوا و ایمان و عمل صالح مبدل ساختند. انبیا بعد از کشیدن خط بطلان بر «اموال» و «اولاد» به‌عنوان وسیله تقرب در پیشگاه الهی و گفتند: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى»^۲، بلافاصله ارزش اصیل را با جمله «إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» جانشین آن می‌کنند.

آیه شریفه: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^(۳) که به‌صورت یک شعار اسلامی درآمده، بعد از نفی ارزش‌های وابسته به قبیله و عشیره، بیانگر همین انقلاب فکری و ارزشی است. یکی از دعوت‌های اساسی و مهم تمام انبیا فراخواندن مردم به همین معیار اصیل بوده است. نمونه‌های زیر شاهدیهایی صادق بر این مدعایند: (۴)

۱- حضرت نوح(ع)

«كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ»^(۵).

«قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم. تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!»

۲- حضرت هود(ع)

۱- الشعراء: ۱۱۱، با ترجمه‌ی مکارم.

۲- سبأ: ۳۷.

۳- الحجرات: ۱۳.

۴- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۱۳.

۵- الشعراء: ۱۰۵-۱۰۸، با ترجمه‌ی مکارم.

«كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ».^(۱)
 «قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، هنگامی که برادرشان هود گفت: آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!
 مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم. پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید»!

۳- حضرت صالح (ع)

«كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ».^(۲)
 «قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند، هنگامی که صالح به آنان گفت: آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! من
 برای شما پیامبری امین هستم. پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید»!

۴- حضرت لوط (ع)

«كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ».^(۳)

«قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا تقوا پیشه
 نمی کنید؟! من برای شما پیامبری امین هستم. پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید»!

۵- حضرت شعیب (ع)

«كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ»؛^(۴) «اصحاب ایکه [شهری نزدیک مدین] رسولان (خدا) را تکذیب کردند، هنگامی که شعیب به
 آنها گفت: آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! من برای شما پیامبری امین هستم. پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا
 اطاعت نمایید»!

۶- حضرت الیاس (ع)

«وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ»؛^(۵)
 «و الیاس از رسولان (ما) بود. به خاطر بیایور هنگامی را که به قومش گفت: آیا تقوا پیشه
 نمی کنید؟!»

۷- حضرت محمد (ص)

۱- الشعراء: ۱۲۳-۱۲۶، با ترجمه‌ی مکارم

۲- همان: ۱۴۱-۱۴۴، با ترجمه‌ی مکارم

۳- الشعراء: ۱۶۱-۱۶۰، با ترجمه‌ی مکارم

۴- همان: ۱۷۷-۱۷۶، با ترجمه‌ی مکارم

۵- الصافات: ۱۲۴-۱۲۳، با ترجمه‌ی مکارم

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».^(۱)

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است».

تعریف تقوی

واژه تقوا و کلمات هم‌خانواده آن در مجموع ۲۵۸ بار به دو گونه فعلی و اسمی در قرآن استعمال شده است و گونه‌های فعلی آن شامل: فعل‌های ثلاثی مجرد به صورت ماضی معلوم، مضارع معلوم و مجهول و امر و فعل‌های ثلاثی مزید (از باب افتعال) به صورت ماضی معلوم، مضارع معلوم و امر است. گونه‌های اسمی آن نیز به صورت مصدر یا اسم مصدر، اسم فاعل، اسم تفضیل و صیغه مبالغه به کار رفته است.

تقوا در لغت:

اهل لغت و برخی از صاحب‌نظران درباره واژه مزبور چنین اظهار نظر کرده‌اند:

(۱) وقى: وقاه الله وقياً و وقایه و وقیة: صانه... وقیت الشئ أقیه: إذا صنته و سترته عن الأذى؛^(۲)

«وقتی گفته می‌شود وقاه الله؛ یعنی خدا او را از آزار دیدن نگاه داشت».

(۲) كلمة واحدة تدلّ على دفع شئ عن شئ بغيره؛^(۳)

«وقی، کلمه‌ی مفردی است که بر دفع چیزی از شیء دیگر به واسطه غیر آن دلالت می‌کند».

(۳) حفظ الشئ عما يؤذيه و يضره؛ «حفظ کردن چیزی از چیزهایی که برایش مضر و آزاردهنده

است».^(۴)

(۴) راغب اصفهانی می‌نویسد: «التقوى جعل النفس فى وقاية مما يخاف».^(۵)

«تقوا عبارت است از قرار دادن نفس در حفاظ، در برابر امور هراس‌انگیز».

۱- الحجرات: ۱۳، با ترجمه‌ی مکارم

۲- ابن منظور، محمد بن مكرم، «لسان العرب»، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۵/ ۳۷۷.

۳- ابن فارس، احمد بن فارس بن زكريا، «معجم مقاييس اللغة» مكتب الأعلام الإسلامی، قم، ۶/ ۱۳۱.

۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «المفردات فى غريب القرآن»، مطبعة الميمنية، مصر / ۵۳۰.

۵- همان.

۵) در مجمع البحرین چنین آمده: «الاتقاء: الامتناع من الردی»؛^(۱) «اتقاء، اجتناب و دوری جستن از هلاکت است».

۶) در کتاب معجم الفروق اللغویة، آمده است: «إنَّ فی الاتقاء معنی الاحتراس ممّا یخاف»؛^(۲) «در اتقاء، معنای حراست کردن و صیانت از امور هراس‌انگیز نهفته است».

۷) شهید مطهری در معنی واژه تقوا نوشته‌اند: «این کلمه از ماده «وقی» است که به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است. معنای اتقاء، احتفاظ است؛ ولی تاکنون دیده نشده که در ترجمه‌های فارسی این کلمه را به صورت حفظ و نگهداری ترجمه کنند...» و اضافه کرده‌اند که: «کسی مدعی نشده است که معنای تقوا، ترس یا پرهیز و اجتناب است، بلکه چون دیده شده لازمه صیانت خود از چیزی، ترک و پرهیز است... در بعضی موارد، به معنای خوف و ترس استعمال شده است».^(۳)

۸) آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌نویسد: «اگر تقوا به معنای خوف و ترس باشد، مگر روزه‌داری در انسان خوف ایجاد می‌کند؟ و چه تناسبی بین خوف و روزه می‌باشد؛ درحالی‌که اگر تقوا به معنای خودنگهداری و تحفظ باشد (که هست)، بین تحفظ و روزه‌داری ارتباط مستقیم وجود دارد؛ زیرا روزه، کلاس تمرین برای تحفظ و خودنگهداری است».

و یا در آیه: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ»^(۴) روشن است که اگر تقوا را به معنای خوف بگیریم، آیه معنا و مفهومی پیدا نخواهد کرد، ولی اگر تقوا را به معنای تحفُّظ و خودنگهداری بگیریم، آیه منظوری روشن و هدفی مشخص خواهد داشت».^(۵)

نتیجه آنکه به نظر می‌رسد معنای مناسب برای واژه تقوا «خودنگهداری» است. در تأیید این نکته که «وقایه» به معنای حفاظت و نگهداری از شرور و آفات است، به چند آیه می‌توان استناد کرد؛ مانند: «فَوَقَّهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهْم نَصْرَةً وَ سُرُورًا»^(۶) (بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شرّ آن روز نکه می‌دارد و آنها را می‌پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند.

و نیز: «قُوتُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛^(۷) «خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگاه دارید».^(۸)

۱- طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، ج ۱، ص ۴۴۹، ناشر: مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۲- عسکری، ابی‌هلال حسن بن عبدالله، «معجم الفروق اللغویة»، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱.

۳- مطهری، مرتضی، «ده گفتار»، قم، انتشارات صدرا، بی تا، ص ۳.

۴- آل عمران: ۱۰۲.

۵- فاضل لنکرانی، محمد، «آئین کشورداری امام علی(ع)»، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۶۴.

۶- دهر: ۱۱، با ترجمه‌ی مکارم

۷- تحریم: ۶، با ترجمه‌ی مکارم

اهمیت تقوی:

قرآن کریم، با تعبیرات گوناگون اهمیت فوق‌العاده تقوی را به ما نشان می‌دهد.

اولاً: تقوی سفارش ابدی خداست:

«وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ»^(۲)

«و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، سفارش کردیم (همچنین) به شما (نیز) سفارش می‌کنیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید».

ثانیاً: تقوی زاد راه است:

قرآن تقوی را «زاد راه» تعبیر کرده است؛ یعنی خدا برای زندگی انسان یک سیر و سفر تکاملی قرار داده و مسیر را هم معین کرده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^(۳) ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس. آن مسیر، صراط مستقیم است:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^(۴) این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!

و زاد راه این سفر مهم تقوی می‌باشد:

«وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ»^(۵)

و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است و از من بپرهیزید ای خردمندان.

۱- و آیات دیگری نظیر: ۲۲ و ۱۸ طور؛ ۴۵ غافر؛ ۵۶ دخان؛ ۱۱ انسان و ۱۶ تغابن.

۲- النساء، ۱۳۱، با ترجمه‌ی مکارم.

۳- الدهر: ۳، با ترجمه‌ی انصاریان.

۴- الأنعام: ۱۵۳، با ترجمه‌ی مکارم.

۵- البقره: ۱۹۷، با ترجمه‌ی مکارم.

ثالثاً: تقوی لباس و پوشش است:

«یا بَنی آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ»^(۱) «ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمت های او) شوند».

خصوصیت لباس آن است که اولاً برای انسان الزامی است؛ ثانیاً عیوب انسان را می پوشاند؛ ثالثاً نماد شخصیت انسان می باشد، اگر بگوییم که سرلوحه دعوت تمام انبیا تقوی بوده است، گراف نیست.

«أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^(۲) «آیا تعجب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد و (در پرتو این دستور) پرهیزگاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت (الهی) گردید؟!»

اقسام تقوی:

علمای اخلاق، اقسام گوناگونی را برای تقوی بیان کرده اند. ما در اینجا به عنوان نمونه، از بیانات دو تن از اعلام (شهید مرتضی مطهری و آیت الله جوادی آملی) استفاده خواهیم کرد که هر دو بزرگوار مطلبی واحد را با تعبیرات مختلف بیان فرموده اند؛ چنان که هر دو می نویسند: تقوی دو نوع دارد. اما شهید مطهری از این دو نوع، به تقوای ضعیف و تقوای قوی تعبیر کرده است، ولی آیت الله جوادی آملی به تقوای مثبت و تقوای منفی.

اما بقیه مطالب یکی است؛ چنان که می فرمایند: تقوای ضعیف و منفی این است که انسان برای مصون ماندن از گناه و شر شیطان، خودش را از جامعه کنار بکشد و در کنج تنهایی زندگی کند و بدین سان خود را از گناهان محفوظ بدارد.

بزرگی دیدم اندر کوهساری	قناعت کرده از دنیا به غاری
چرا گفتم به شهر اندر نیایی	که باری بند از دل برگشایی؟
بگفت آنجا پری رویان نغزند	چو گل بسیار شد پیلان بلغزند ^(۳)

۱- الأعراف: ۲۶، با ترجمه‌ی مکارم.

۲- الأعراف: ۶۳، با ترجمه‌ی مکارم.

۳- گلستان سعدی، باب پنجم: در عشق و جوانی، حکایت ۱۷.

این نوع تقوی در نظر این بزرگان، تقوای ضعیف و منفی می‌باشد.

اما تقوای قوی و مثبت این است که انسان در درون خودش نیرویی را ایجاد کند تا همواره و همه جا بتواند خودش را از آلوده شدن به گناه مصون بدارد. چنین انسانی گرچه در میان مردم و در قلب جامعه زندگی نماید، نه تنها خود به گناه آلوده نمی‌شود، بلکه سعی می‌کند جامعه را نیز از لوث گناه و معصیت الهی پاک کند.^(۱)

ملازمه تقوا با ایمان:

آنچه از قرآن فهمیده می‌شود این است که ایمان و تقوی ملازم هم هستند؛ پس تمام انقساماتی که در ایمان وجود دارد، در تقوی نیز هست. به تعبیر دیگر، ایمان انسان، مراحل مختلفی دارد و هر مرحله‌ای از آن، با تقوایی خاص ملازم است.

مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی، در ذیل این آیه: «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛^(۲)

«بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند نیست (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی‌شوند) اگر تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند و اعمال صالح انجام دهند، سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند، سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد»، می‌فرماید: از این آیه سه نوع تقوی استفاده می‌شود:

تقوای عام:

تقوای عام آن است که مؤمنان عادی از ترس عذاب جهنم، از محرمات الهی اجتناب کرده و کارهای حرام را انجام نمی‌دهند.

تقوای خاص:

کسانی هستند که به حد کمال انسانی گروه سوم که ذکر خواهد شد، نرسیده‌اند، ولی در مرتبه‌ای هستند که نه تنها از محرمات الهی دوری می‌کنند، بلکه از شبهات و موارد مشکوک نیز پرهیز می‌نمایند؛ این را تقوای خاص گویند.

۱- نشانه‌های پرواپیشگی، آیت‌الله جوادی آملی، ص ۲۴ و مرتضی مطهری، ده گفتار، قم، انتشارات صدرا، بی تا، ص ۵.

۲- المائدة: ۹۳، با ترجمه‌ی مکارم.

تقوای خاصّ الخاصّ:

این مرتبه ویژه کسانی است که به مقام فنا راه یافته‌اند. در این مرتبه، اهل تقوا حلال را جز به اندازه ضرورت ترک می‌کنند؛ چه رسد به شبهه. این مرتبه اعلای تقواست و آن را تقوای خاصّ الخاصّ گویند.^(۱)

در روایات ائمه (ع) نیز به اقسام سه‌گانه تقوا تصریح شده است. در این باره جهت رعایت اختصار فقط به یک روایت اشاره می‌کنیم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةٍ أَوْجُهُ: تَقْوَى بِاللَّهِ وَهُوَ تَرْكُ الْحَلَالِ فَضْلاً عَنِ الشُّبْهَةِ وَهُوَ تَقْوَى خَاصٌّ الْخَاصِّ؛ وَ تَقْوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَهُوَ تَرْكُ الشُّبْهَاتِ فَضْلاً عَنِ الْحَرَامِ وَهُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ؛ وَ تَقْوَى مِنْ خَوْفِ النَّارِ وَالْعِقَابِ وَهُوَ تَرْكُ الْحَرَامِ، وَهُوَ تَقْوَى الْعَامِ...».

«تقوا سه‌گونه است: اول تقوای بالله و آن ترک حلال (برای دچار نشدن به شبهات) است، چه برسد به شبهه، که این تقوای خاصّ الخاصّ می‌باشد؛ دوم تقوای از خدا (نه از خوف جهنم) که ترک شبهات است، چه برسد به حرام و این مرتبه تقوای خواصّ است؛ سوم تقوا از خوف آتش و عذاب که همان ترک حرام باشد و در واقع تقوای عوام است».^(۲)

اوصاف متقین:

* حیات طیبه (زندگی پاکیزه):

«مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».^(۳)

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

تقوی، زندگی پاکیزه را به دنبال می‌آورد. واژه طیبه در زبان عربی بمعنی خوشبو نیز آمده؛ چنان‌که در حدیث کساء می‌خوانیم: «إِنِّي أَشْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً»^(۴) پس انسان متقی، هر جا که باشد، محیط را از

۱- تفسیر الصافی، ج ۲، ص: ۸۵-۸۴.

۲- امام صادق، مصباح الشریعه، ص ۳۸، باب ۸۳، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۰ق

۳- النحل -۹۷، با ترجمه‌ی مکارم.

۴- مسکن الفؤاد عند فقد الأحبه و الأولاد، ص: ۱۵۴-

عطر گفتار و کردار نیک خویش معطر می‌کند؛ همانگونه که گل فضای پیرامون خود را خوشبو می‌گرداند.

*** انفاق، فرو خوردن خشم، چشم‌پوشی از تقصیرات مردم، یاد خدا، توبه و استغفار و عدم اصرار بر گناه:**

«وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»^(۱).

«و به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش [به وسعت] آسمان‌ها و زمین است بشتابید؛ بهشتی که برای پرهیزکاران آماده شده است؛ آنان که در گشایش و تنگ‌دستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از [خطاهای] مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده‌اند، پافشاری نمی‌کنند؛ پاداش آنان آمرزشی است از سوی پروردگارشان، و بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه‌اند؛ و پاداش عمل کنندگان نیکوست».

*** هدایت یافتن، ایمان به غیب، اقامه نماز، اعطای زکات، ایمان به کتب آسمانی و باور به آخرت:**

«الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^(۲).

«الم در [وحی بودن و حقایق] این کتاب [باعظمت] هیچ شکی نیست؛ سراسرش برای پرهیزکاران هدایت است. آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند، و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده، مؤمن هستند و به روز قیامت یقین دارند؛ آنانند که از سوی پروردگارشان بر [راه] هدایتند و آنانند که رستگارند».

۱- الآيات - سورة آل عمران (۳): الآيات ۱۳۳ الى ۱۳۶، بترجمه ی انصاریان.

۲- سورة البقرة (۲): الآيات ۱ الى ۵، بترجمه ی انصاریان.

* دعا، صبر، راستگویی، فرمانبرداری از حق، انفاق و سحر خیزی:

«قُلْ أَتُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» * الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا أَمَنَّا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ * الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ.^(۱)

«بگو: آیا شما را به بهتر از این [امور] خبر دهم؟ برای آنان که [در همه شئون زندگی] پرهیزکاری پیشه کرده‌اند، در نزد پروردگارشان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه‌اند؛ و [نیز برای آنان] همسرانی پاکیزه و خشنودی و رضایتی از سوی خداست؛ و خدا به بندگان بیناست. آنان که می‌گویند: پروردگارا! قطعاً ما ایمان آوردیم، پس گناهانمان را بیامرز و ما را از عذاب آتش نگاه دار. آنان که صبرکنندگان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و استغفارکنندگان در سحرهایند».

* ایمان به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران، انفاق، اقامه نماز، اعطای زکات، وفای به عهد، استقامت، راستگویی:

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤَفُّونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ».^(۲)

نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی [واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات] کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده‌اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و [در راه آزادی] بردگان می‌دهند، و نماز را [با همه شرایطش] برپای می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و چون پیمان بندند وفاداران به پیمان خویشند، و در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که [در دین‌داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند.

۱- سوره آل عمران (۳): آیات ۱۵ تا ۱۷، با ترجمه ی انصاریان.

۲- (البقرة، ۱۷۷)، با ترجمه ی انصاریان.

* بزرگ داشتن شعائر دین، وصیت کردن قبل از فرا رسیدن مرگ، راست گفتاری و راست کرداری:

«ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^(۱).

این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

«وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^(۲).

اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند!

«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»^(۳).

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقی است بر پرهیزکاران!

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»^(۴).

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش پرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ»^(۵).

آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند!

از مجموع آیات مزبور این ویژگی ها برای متقین ثابت می شود:

۱- هدایت؛

۲- ایمان به خدا، غیب، انبیا، کتب آسمانی و روز رستاخیز؛

۱-الحج، ۳۲، با ترجمه‌ی مکارم.

۲-الزمر-۳۳، با ترجمه‌ی مکارم.

۳-البقره-۱۸۰، با ترجمه‌ی مکارم.

۴-النور-۵۲، با ترجمه‌ی مکارم.

۵-یونس-۶۲، با ترجمه‌ی مکارم.

- ۳- اقامه نماز؛
- ۴- اعطای زکات؛
- ۵- انفاق؛
- ۶- دعا؛
- ۷- صبر؛
- ۸- راستگویی؛
- ۹- فرمانبرداری؛
- ۱۰- سحرخیزی؛
- ۱۱- استغفار؛
- ۱۲- احترام به شعایر خدا؛
- ۱۳- پاسداری از حق؛
- ۱۴- چشم‌پوشی از خطاهای مردم؛
- ۱۵- محبوبین نزد خدا؛
- ۱۶- عدم اصرار بر گناه؛
- ۱۷- امر بالمعروف؛
- ۱۸- نجات؛
- ۱۹- خوشحالی از عاقبت کار.

آثار تقوی:

*** آثار دنیوی:**

- ۱- برکت در زندگی

برکت، عبارت است از: تثبیت، استمرار و بیشتر شدن توفیقات الهی و به مطلوب رسیدن.

«البركة هي عبارة عن الدوام و البقاء و الثبات و نيل الأمل و منه بרוک الإبل و منه البركة لثبوت الماء فيها و منه تبارک و تعالی؛ أي ثبت تعظيمه. إن البركة يرجع معناها إلى الامتداد و الزيادة».^(۱)

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».^(۲) «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کفر اعمالشان مجازات کردیم».

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ».^(۳) «و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می‌بخشیم و آنها را در باغ‌های پر نعمت بهشت، وارد می‌سازیم».

۲- بصیرت

معنی بصیرت این است که چشم باطنی انسان بینا باشد و حقیقت اشیا را آن طوری که هست ببیند؛ «البصيرة: قوة للقلب المنور بنور القدس يرى بها حقائق الأشياء و بواطنها بمثابة البصر للنفس يرى به صور الأشياء و ظواهرها و هي التي يسميها الحكماء العاقله النظرية و القوة القدسية».^(۴) این صفت برای هر کسی میسر نیست، بلکه فقط اهل تقوی هستند که مزین به این صفت حمیده می‌باشند؛ چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ».^(۵)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است».

۱- مصطلحات الإمام الفخر الرازي، النص، ص: ۱۳

۲- الأعراف- ۹۶، با ترجمه‌ی مکارم.

۳- المائدة- (۶۵، ۶۶)، با ترجمه‌ی مکارم.

۴- میر سید شریف، التعريفات - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ق.

۵- الحديد- ۲۸، با ترجمه‌ی مکارم.

آیت‌الله مکارم در تفسیر این آیه می‌فرماید: «آیه، مفهوم مطلق و گسترده‌ای دارد؛ نه اختصاصی به دنیا دارد و نه آخرت و به تعبیر دیگر ایمان و تقوی سبب می‌شود که حجاب‌ها از قلب مؤمن برچیده شود و چهره حقایق را بی‌پرده ببیند و در پرتو آن روشن‌بینی خاصی نصیب او می‌شود که افراد بی‌ایمان از آن محرومند و اینکه در روایات اهل‌بیت(ع) آمده است که منظور از «نور» در آیه فوق، امام معصومی است که مردم به او اقتدا کنند، در حقیقت بیان یکی از مصداق‌های روشن است».^(۱)

۳- آسانی در کارها

انسان باتقوا چون در کارهای خود به خداوند متکی است، هرگز در زندگی احساس تنهایی و ضعف نمی‌کند و بر مشکلات فایق می‌آید؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا».^(۲) «و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده».

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا».^(۳) «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می‌سازد»!

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ».^(۴)

«خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند و کسانی که نیکوکارند».

برعکس، کسانی که پیوند خویش را از خداوند متعال می‌برند، زندگی سختی دارند؛ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى».^(۵) «و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم»!

۲- تفسیر نمونه ج ۲۳ ۳۹۶

۲- الطلاق-۳، با ترجمه‌ی مکارم.

۳- الطلاق-۴، با ترجمه‌ی مکارم.

۴- النحل-۱۲۸، با ترجمه‌ی مکارم.

۵- طه- ۱۲۴، با ترجمه‌ی مکارم.

۴- عفو از سیئات

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا»^(۱). «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می‌بخشد و پاداش او را بزرگ می‌دارد».

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ»^(۲). «و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می‌بخشیم و آنها را در باغ‌های پر نعمت بهشت، وارد می‌سازیم».

«إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^(۳). «هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید (سرانجام پیروز می‌شود)؛ چراکه خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!».

۵- تضمین قبولی اعمال

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^(۴). «خدا، تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد!».

۶- آرامش روحی

اهل تقوا مسرت و آرامش روحی داشته و هیچ‌گونه حزن و اندوه و بیمی در دل ندارند؛ «فَمَنْ أَتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^(۵). «کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می‌شوند».

۷- رهایی از بن‌بست‌ها

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^(۶). «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند».

حضرت علی (ع) در هنگام بدرقه ابوذر، آن مرد آزاده، فرمود:

۱-الطلاق-۵، با ترجمه‌ی مکارم.

۲-(المائدة-۶۵، با ترجمه‌ی مکارم.

۳-یوسف، ۹۰، با ترجمه‌ی مکارم.

۴-المائدة-۲۷، با ترجمه‌ی مکارم.

۶-الاعراف-۳۵، با ترجمه‌ی مکارم.

۶-الطلاق-۲، با ترجمه‌ی مکارم.

«یا أباذر... و الله لو كانت السموات و الأرض على عبد رتقا، ثم اتقى الله لجعل له منها مخرجا».^(۱)

**** آثار اخروی:**

۱- رضوان خدا

«قُلْ أُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ».^(۲) «بگو: آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟ برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند)، در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست) و خدا به (امور) بندگان، بیناست».

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».^(۳) «خداوند به مردان و زنان باایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است!».

۲- دوستی پایدار

«الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ».^(۴)

دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران.

۱- نهج البلاغة-خطبه-۱۳۰. ابوذر غفاری در مدینه مورد خشم عثمان واقع شد؛ چون وی پیوسته ستم و اشرافیتی را که در خلافت

عثمان سر برآورده بود، مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌داد. سرانجام عثمان تصمیم به تبعید وی گرفت و به او گفت: کدام زمین را دشمن داری؟ گفت: ربذه؛ چرا که در آنجا بر غیر دین اسلام بودم. عثمان امر به اخراج او از مدینه به ربذه نمود و دستور داد کسی با او سخن نگفته و مشایعتش ننماید. چون از مدینه خارج شد، امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین(ع) و عقیل و عبدالله بن جعفر و عمار بن یاسر برای وداع با او بیرون رفتند. سخن مزبور نیز در چنین حال و فضایی گفته شده است.

۲-ال عمران، ۱۵، با ترجمه‌ی مکارم.

۳-التوبه-۷۲، با ترجمه‌ی مکارم.

۴-سوره الزخرف-۶۷، با ترجمه‌ی مکارم.

«إِنَّهُمْ لَن يَغْنُؤُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ».^(۱) «آنها هرگز نمی‌توانند تو را در برابر خداوند بی‌نیاز کنند (و از عذابش برهانند)؛ و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، اما خداوند یار و یاور پرهیزگاران است!»

۳- ایمنی از ترس و اندوه

«وَيُنَجِّى اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».^(۲) «و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری‌های می‌بخشد؛ هیچ بدی به آنان نمی‌رسد و هرگز غمگین نخواهند شد».

«فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».^(۳) «کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می‌شوند».

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».^(۴)

«آگاه باشید اولیا (و دوستان) خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند؛ همان‌ها که ایمان آوردند و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند، در زندگی دنیا و در آخرت شاد (و مسرور)‌ند؛ وعده‌های الهی تخلف‌ناپذیر است؛ این رستگاری بزرگی است».

۴- مغفرت، بهشت و نعمت‌های آن

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عِوْنٍ اِذْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ اٰمِنِيْنَ وَ نَزَعْنَا مَا فِى صُدُوْرِهِمْ مِنْ غِلٍّ اِخْوَانًا عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِيْنَ لَا يَمَسُّهُمْ فِيْهَا نَصَبٌ وَّ مَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِيْنَ نَبِئُ عِبَادِيْ اُنِّىْ اَنَا الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ».^(۵)

«به یقین، پرهیزگاران در باغ‌ها (ی سرسبز بهشت) و در کنار چشمه‌ها هستند. (فرشتگان به آنها می‌گویند:) داخل این باغ‌ها شوید با سلامت و امنیت! هر گونه غلّ [حسد و کینه و دشمنی] را از سینه آنها برمی‌کنیم (و روحشان را پاک می‌سازیم)؛ درحالی‌که همه برابرند و بر تخت‌ها روبه‌روی یکدیگر قرار دارند. هیچ خستگی و تعبى در آنجا به آنها نمی‌رسد و هیچ‌گاه از آن اخراج نمی‌گردند!»

۱- جاثیه - ۱۹، با ترجمه‌ی مکارم.

۲- الزمر - ۶۱، با ترجمه‌ی مکارم.

۴- اعراف - ۳۵، با ترجمه‌ی مکارم.

۵- یونس - ۶۲ تا ۶۵، با ترجمه‌ی مکارم.

۵- سوره الحجر (۱۵): آیات ۴۵ تا ۵۰، با ترجمه‌ی مکارم.

«أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ».^(۱)

«آنها پاداششان آمرزش پروردگار، و بهشت‌هایی است که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند؛ چه نیکو است پاداش اهل عمل!»

«وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لِنِعَمِ دَارِ الْمُتَّقِينَ جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».^(۲)

«(ولی هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می‌شد: پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟ می‌گفتند: خیر (و سعادت)؛ (آری) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است؛ و چه خوب است سرای پرهیزگاران؛ باغ‌هایی از بهشت جاویدان است که همگی وارد آن می‌شوند؛ نهرها از زیر درختانش می‌گذرد؛ هر چه بخواهند در آنجا هست؛ خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می‌دهد؛ همان‌ها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند، درحالی‌که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: سلام بر شما! وارد بهشت شوید به‌خاطر اعمالی که انجام می‌دادید!»

«هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَفْتُحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ مُتَكِّينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَثْرَابٌ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ».^(۳)

«این یک یادآوری است و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است؛ باغ‌های جاویدان بهشتی که دره‌ایش به روی آنان گشوده است، درحالی‌که در آن بر تخت‌ها تکیه کرده‌اند و میوه‌های بسیار و نوشیدنی‌ها در اختیار آنان است! و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته‌اند و هم‌سن و سالند؛ این همان است که برای روز حساب به شما وعده داده می‌شود (وعده‌ای تخلف‌ناپذیر)؛ این روزی ما است که هرگز آن را پایانی نیست.»

۱- ال عمران، ۱۳۶، با ترجمه‌ی مکارم.

۳- سوره النحل (۱۶): آیات ۳۰ تا ۳۲، با ترجمه‌ی مکارم.

۳- سوره ص (۳۸): آیات ۴۹ تا ۵۴، با ترجمه‌ی مکارم.

«وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ».^(۱) «در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند؛ (چراکه ارزش‌های حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد و صورت عینی به خود می‌گیرد) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد».

حسن ختام این مقاله را ترجمه گفتاری از امیر سخنوران و پیشوای پرهیزگاران قرار می‌دهیم: «ای بندگان خدا، بدانید اهل تقوا هم از دنیای گذرا و هم از آخرتی که می‌آید سود بردند؛ با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند و اهل دنیا در آخرت آنان شریک نگشتند. در دنیا از راه حلال در بهترین مسکن ساکن شدند و بهترین خوراکی را نوش جان نمودند. از دنیا بهره بردند، آن چنان که خوشگذرانان بهره بردند و از آن کام گرفتند، بدان گونه که سرکشان گردن‌فراز کام گرفتند. سپس با توشه‌ای رساننده به سرمنز نجات از دنیا گذشتند و با تجارتی پرسود به آخرت سفر کردند. در دنیایشان به لذت بی‌رغبتی به دنیا رسیدند و یقین کردند که در آخرت همسایگان حقّند و دعایشان بی‌جواب نماند و نصیبشان از لذت دنیا کاستی نیابد».^(۱)

منابع:

- ۱- القرآن الکریم.
- ۲- ترجمه قرآن کریم، حجة الاسلام، انصاریان
- ۳- ترجمه قرآن کریم، آیه الله مکارم
- ۴- شیرازی، ناصر مکارم، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ۵- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، الهجره - قم، اول، ۱۴۱۴ ق.
- ۶- انصاریان، شیخ حسین، ترجمه نهج البلاغه، ناشر دار العرفان، قم.
- ۷- اصفهانی، علی نقی فیض شرح نهج البلاغه، فیض الاسلام الإسلام ناشر: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، چاپ: تهران.
- ۸- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۵ / ۳۷۷.
- ۹- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۶ / ۱۳۱.
- ۱۰- اصفهانی، راغب، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مطبعة المیمیه، مصر / ۵۳۰..
- ۱۱- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، انتشارات مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
- ۱۲- عسکری، ابی هلال حسن بن عبدالله، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.
- ۱۳- مطهری، مرتضی، ده گفتار، قم، انتشارات صدرا، بی تا، ص ۳.
- ۱۴- لنکرانی، محمد فاضل، آئین کشورداری امام علی (علیه السلام)، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۶۴ .
- ۱۵- سعدی، شیخ مصلح الدین مشرف بن عبد الله، گلستان سعدی، کتابخانه امید، ایران (ایترنتی).
- ۱۶- نشانه های پرواپیشگی. آیت الله جوادی آملی - ۲۴.
- ۱۷- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، انتشارات صدرا، چاپ تهران، ۱۴۱۵ق.
- ۱۸- امام صادق، مصباح الشریعه، ص ۳۸، باب ۸۳، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۰ق.
- ۱۹- سمیح دغیم: مصطلحات الإمام الفخر الرازی، ناشر: مکتبه ناشرون، بیروت، چاپ: اول، ۲۰۰۱ م النص، ص: ۱۳.
- ۲۰- میر سید شریف، التعریفات - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ق.
- ۲۱- جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، السقیفه و فدک - تهران، بی تا.
- ۲۲- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسکن الفؤاد عند فقد الأحبه و الأولاد، قم، انتشارات بی تا.